

حسین ابراهیم نیا*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۲۵

چکیده

در آخرین روزهای سال ۲۰۱۰ میلادی تحولاتی در خاورمیانه رخ داد که تمامی معادلات این منطقه را دگرگون ساخت. قدرت‌گیری گروه‌های خاموش سال‌های دیکتاتوری و اقتدارگرایی در این کشورها با گفت‌وگوهای اسلام اعتدال‌گرا، از این حکایت دارد که اسلام‌گرایان باید آزمون جدیدی را پس بدهند؛ آزمونی که تاکنون در کشور تونس از آن موفق بیرون آمده‌اند. این موفقیت سبب شده است نقش گروه‌های بنیادگرایی رادیکال در منطقه کاهش و جایگاه آنان متزلزل شود. پرسش اصلی مقاله حاضر آن است که جریان‌های اسلام‌گرای اعتدال‌گرا چگونه توانستند بر موقعیت و جایگاه بنیادگرایی اسلامی تأثیر گذاشته و نقش آن را کم‌رنگ نمایند؟ در پاسخ به نظر می‌رسد گسترش فرایندهای دموکراتیک در منطقه خاورمیانه در سال‌های اخیر موجب این اثرگذاری شد؛ فرایندهایی که در پیوند با فرایند جهانی‌شدن و شبکه‌ای‌شدن جهان نوین امروزی، رشد فناوری‌های ارتباطی و آشکاری سیاسی به‌وقوع پیوسته است، مانع از آن می‌شود که دیگر جریان‌های بدون بازسازی درونی بتوانند گفت‌وگوهای خود را مطرح نمایند. این مقاله سعی دارد با استفاده از روش اسنادی و تمرکز بر نمونه تونس، پاسخی دقیق به پرسش مذکور دهد و آن را به آزمون بگذارد.

واژگان کلیدی: اسلام‌گرایی اعتدال‌گرا، خاورمیانه، بنیادگرایی اسلامی، بهار عربی، جهانی‌شدن

* کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه آزاد اسلامی- واحد کرج

Ebrahimnia – Phd2.ebrahimnia@yahoo.com

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۶۹ – ۱۴۵.

مقدمه

مساله نقش گروه‌های اسلامی و نوع نگرش آنها به دین اسلام و کاربرد آن، اینکه نگرش عمل‌گرایانه داشته یا نگرش ایدئولوژیک، همواره در جوامع و کشورهای اسلامی به‌خصوص در یک قرن اخیر مورد توجه و دارای اهمیت بسیار بوده است. حوادثی همچون ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و همچنین روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، که الگویی که از یک اسلام میانه‌رو مطرح کردند و موفقیتی که در یک دهه اخیر کسب نمودند، سبب شد این گرایش مورد استقبال کشورهای عربی منطقه خاورمیانه قرار گیرد. در واقع آشکاری سیاسی ایجاد شده به سبب رشد فرایندهای جهانی‌شدن بر موقعیت و جایگاه بنیادگرایان تاثیر بسزایی گذاشته است، به‌طوری که بسیاری از مردم از جمله اکثریت بنیادگراها علاقه‌مند به تحولات مردم‌سالارانه و ایجاد بسط جامعه مدنی در زندگی سیاسی‌شان هستند، هرچند برخی از گروه‌های بنیادگرا اعتقاد دارند باید به‌صورت ابزاری از بسط جامعه مدنی استفاده نمود.

با توجه به تحولات صورت گرفته در دو سال اخیر، پرسش‌های مهمی در این زمینه مطرح می‌شود که مقاله حاضر با تمرکز بر نمونه تونس به دنبال پاسخ‌یابی به یکی از آنهاست: جریان‌های اسلام‌گرای اعتدال‌گرا چگونه توانستند بر موقعیت و جایگاه بنیادگرایی اسلامی تاثیر گذاشته و نقش آن را کمرنگ کنند؟ در پاسخ باید به این نکته اشاره کرد که ظهور و روی کار آمدن جریان‌ها و گفتمان‌های اسلام‌گرای عمل‌گرا در تونس سبب تقویت نهادها و فرایندهای دموکراتیک و تضعیف موقعیت و جایگاه گفتمان بنیادگرایی اسلامی می‌شود. حزب اسلامی عدالت و توسعه با فاصله گرفتن از یک موضع سخت‌عقیدتی، با رهیافت و گرایشی دموکراتیک‌تر سپهر سیاسی و عمومی ترکیه را دگرگون ساخته و با کسب موفقیت‌هایی در عرصه عمومی سبب تاثیر بر دیگر گروه‌های اسلامی در خاورمیانه به‌ویژه تونس که از لحاظ گفتمانی و عقیدتی شباهت‌های بسیاری با هم دارند، شده است. به عبارت دیگر، شبکه‌ای‌شدن و رشد فضاهای مجازی در سپهر عمومی خاورمیانه، سبب پیدایش آشکاری سیاسی و کاهش نفوذ دولت‌ها و گروه‌های اقتدارگرا همچون بنیادگرایان می‌شود. تضعیف جایگاه و موقعیت بنیادگرایان با شکل‌گیری عناصر دموکراتیک در منطقه موجب تغییر نگاه به خاورمیانه شده و نظم منطقه‌ای نوینی را شکل می‌دهد.

اسلام سیاسی

اصطلاح «اسلام سیاسی» مفهوم نسبتاً متأخری است که به‌طور عمده از سوی محققان غربی برای توصیف وضعیت جاری در جهان اسلام به کار گرفته شده است. جان اسپوزیتو مفهوم اسلام سیاسی را در عام‌ترین شکل آن؛ یعنی احیا یا تجدید حیات مذهبی در زندگی خصوصی و عمومی، تعریف می‌کند.^۱ بنابراین، اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است. نظام عقیدتی اسلام سیاسی علت عمده شکل‌گیری گروه‌های اسلامی و مشارکت اعضای آن در اقدامات جمعی است. در واقع همین نظام عقیدتی اسلامی بود که علت عمده شکل‌گیری گروه‌های اسلامی و مشارکت اعضای آن در اقدامات جمعی بود. این اصول عقیدتی اهداف سیاسی خاصی را برای گروه‌های اسلامی تعیین می‌کند که آنها را رو در روی نظام‌های سیاسی غیرمذهبی قرار می‌دهد. از نظر اسلام‌گرایان، ضرورت وجود یک حکومت اسلامی و تداوم آن مهم‌ترین اصل محوری در نظام عقیدتی اسلامی بوده است.^۲

تقسیم‌بندی گفتمان‌های اسلام‌گرا: طرح یک چارچوب نظری

مطالعاتی که در آثار اغلب نظریه‌پردازان صورت گرفته، تقسیم‌بندی‌هایی بر پایه دو یا سه و چهار قرائت و جریان از گروه‌های اسلامی استوار بوده است. این تقسیم‌بندی‌ها را می‌توان در آثار مصطفی ملکیان، داود فیرحی و احمد مصلی مشاهده نمود.^۳ اما خاورمیانه و شمال آفریقا منطقه‌ای است که چهره ناهمگونی از لحاظ دینی و حتی درون دینی دارد. در مجموع گفتمان‌های اسلام‌گرا را می‌توان به دو محور اصلی و یک محور میانجی با چهار گفتمان تقسیم نمود که در درون هر یک طیف‌های دیگری نیز جای می‌گیرد. هرچند به دلیل چهره ناهمگون منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، این تقسیم‌بندی‌ها جامع نیست (جدول شماره ۱).

اسلام سیاسی و ظهور آن در متن مدرنیته

پس از آغاز تحولات عرب از کشور تونس و گسترش سریع آن، به‌طور هم‌زمان دو گفتمان مطرح شد: گفتمان اسلام اعتدال‌گراست؛ و گفتمان بنیادگرایی. تقاضاهای هم‌زمان برای توجه و

به کارگیری سازوکارهای دموکراتیک در اداره امور جامعه از یک سو، و توجه جدی به باورها و اعتقادات دینی مردم از سوی دیگر، به برجسته شدن گفتمان اسلام اعتدال گرا و تاثیر بر موقعیت بنیادگرایی طی یک دهه اخیر منجر شده است.^۴ در خاورمیانه در حال گذار سیاسی، تنها راه برای اسلام گرایان چه از نوع اعتدال گرا و احیاگران دینی به جهت حفظ مشروعیت، همانا استفاده و پذیرفتن فرایندهای دموکراتیک است.^۵ گرچه ممکن است آنان در نهایت دموکراتیک محسوب نشوند، در دوره جدید با چشم انداز جدیدی روبه رو هستند که ناچار از بازتعریف خود هستند. در عین حال، تثبیت دموکراسی و تضعیف موقعیت بنیادگرایان در کشورهای عربی که دستخوش گذار هستند، بدون در نظر گرفتن گروه های مهم اسلامی مانند اخوان المسلمین در مصر، النهضه در تونس و الاصلاح در یمن ریشه نخواهد دوانید. اسلام گرایان اعتدال گرا خواستار درک مدرنیته و ضرورت فهم آن، آموزش و یادگیری علوم معاصر، در نظر گرفتن پیش زمینه های اجرای شریعت، تاکید بر کاربست مفاهیمی نظیر شورا و دموکراسی و سازوکارهای معرفی کردن آنها با اسلام هستند. به تعبیر بهتر، در اینجا استدلال نهایی این است که اسلام سیاسی بیش از پیش از آنکه جنبشی ضد مدرن باشد، ظهورش در متن مدرنیته قابل فهم است و به این دلیل که ارایه کننده یک روند سیاسی مدرن با غلبه ماهیت فرهنگی آن است، امکان هم زیستی و سازگاری با غرب را می یابد.^۶

راشد الغنوشی و گسترش فرایندهای دموکراتیک

بررسی دیدگاه راشد الغنوشی از آن رو ضروری است که وی شاخص ترین متفکر اسلام گرای تونس است و به سازگاری اسلام با فرایندهای دموکراتیک باور دارد. وی ضرورت احترام به آزادی های عمومی و خصوصی و حقوق بشر را به عنوان اصولی که در قرآن مقرر شده و به وسیله پیمان نامه های بین المللی به تصویب رسیده است، مسلم فرض می کند. این موضوع، اساسا آزادی بیان، انجمن ها و مشارکت سیاسی را دربر می گیرد و کاربرد خشونت و سرکوب آزادی عقیده را محکوم می کند. به نظر او، این موضوعات، برنامه ای برای هم زیستی مسالمت آمیز و گفتگو بین حکومت کننده و حکومت شونده یا بین دولت و جامعه ایجاد کند.^۷

غنوشی پذیرش هرگونه نظم سیاسی را به وجود نظامی مشروط می‌کند که رقابت آزاد احزاب سیاسی و نظر بخش‌های جامعه را درباره موضوعات سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک تامین کند. مردم و احزاب، از طریق مشارکت در نهادهای اجتماعی و انتخابات برای انواع شوراهای نمایندگی قادر خواهند بود مستقیماً به اداره امور دولت یاری رسانند. اگر این امر تحقق پذیرد، جنبش اسلامی آماده است نظامی را که از آن پس از حمایت عمومی و در نتیجه، مشروعیت سیاسی برخوردار است، به رسمیت بشناسد. وی، اقتدار مردم را برترین اقتدار (البته بعد از اعتراف به حاکمیت خدا) دانسته و در جهت احقاق حقوق مردم برای تشکیل نهادهای مدنی و احزاب تلاش می‌کند. در حقیقت، از منظر او، یک جامعه حتی حق ملحد بودن را نیز دارد.^۸

پیدایی اسلام‌گرایی در تونس

عملکرد حبیب بورقیبه به‌عنوان اولین رئیس دولت پس از استقلال تونس و تغییر هدفمند و برنامه‌ریزی شده ارزش‌های فرهنگی در دوره وی، باعث به‌وجود آمدن زمینه‌های اسلام‌گرایی در تونس و موجب شکل‌گیری پایگاهی اساسی برای رشد جنبش اسلامی در این کشور شد.^۹ در سال ۱۹۷۰ با تأسیس ماهنامه اسلام‌گرای /المعرفه، زمینه اجتماعی برای فعالیت شیخ راشد الغنوشی و عبدالفتاح مورو، برجسته‌ترین عناصر اسلام‌گرای تونس، آغاز شد. همچنین، برخی از شیوخ مدرسه زیتونیه نیز حرکت‌های فرهنگی خود را در مسجد جامع زیتونیه آغاز نمودند.^{۱۰} در این میان نباید از تاثیر فلسفه سیاسی حسن‌البنّا بر رهبران جنبش اسلامی تونس غافل شد. البته باید این نکته را مد نظر قرار داد که آثار حسن‌البنّا، سید قطب و ابوالعلا مودودی، که در شرایط سیاسی - تاریخی معینی نوشته شدند، نمی‌توانست مقبولیتی در میان مردم تونس کسب کند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت مکتب اخوان المسلمین دیگر برای اسلام‌گرایان تونسی الگویی مقبول نبود؛ زیرا برای این مرحله تاریخی جامعه تونس هیچ راهبرد مطلوبی ارایه نمی‌کرد. این‌گونه بود که نوعی نوگرایی اسلامی در جنبش اسلامی تونس در پیش گرفته شد.^{۱۱} (جدول شماره ۲).

النهضة: پیش و پس از تغییر

با توجه به تغییراتی که گروه‌های اسلامی تونس در حوزه حاملان ساختار خود ایجاد کردند، جهت مقایسه افکار و اندیشه گروه‌های اسلامی و شخصیت‌های نظریه‌پرداز اسلامی تونس، می‌توان آنها را به دو دوره پیش از نوگرایی اسلامی و پس از نوگرایی اسلامی تقسیم نمود. مهم‌ترین و تاثیرگذارترین گروه اسلامی در دوران معاصر کشور تونس، گروه اسلامی النهضة می‌باشد. النهضة که نام اولیه «حرکه الاتجاه الاسلامی» یا «جنبش گرایش اسلامی» بود، ابتدا توسط گروهی نسبتاً بزرگ و نیمه‌فعال از جوانان، روشن‌فکران، بورژواها، فرزندان زمین‌داران و بازرگانان از اهل سنت با میزان پیکارجویی بالا شکل گرفت و رهبری آن را راشد الغنوشی و مورو در سال ۱۹۷۰ به عهده گرفتند.^{۱۲}

در باور شیخ راشد الغنوشی، پدیده اسلام‌گرایی پیش از نوگرایی متشکل از عوامل زیر است:

۱. تدین سنتی تونس که مذهب سنتی مالکی و عقاید اشعری و تربیت صوفیانه بر آن غالب است؛
۲. گفتمان سلفی اخوان المسلمین که از شرق عربی وارد این کشور شده بود؛ و
۳. جریان عقلانی اسلامی که در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ ظهور یافت.

در سال ۱۹۸۹، قانونی تصویب شد که هرگونه شکل‌گیری احزاب بر پایه قومیت، دین، زبان یا منطقه را ممنوع می‌کرد. از همین رو نام این گروه از به «النهضة» تغییر یافت و اصلاحات و تحولات گسترده‌ای در گروه الاتجاه انجام گرفت، به گونه‌ای که آن را از یک گروه اسلامی به یک حزب سیاسی فعال اسلامی با روزنامه‌ای رسمی تبدیل کرد.^{۱۳} با این حال، این جریان چندان دوام نیافت و توسط حکومت بن علی غیرقانونی اعلام شد. همچنین تغییراتی که از دهه ۱۹۹۰ در النهضة صورت گرفت و دگرگونی‌هایی که در حوزه حاملان فکری و گفتمانی آن شکل گرفت، این گروه اسلامی را به گروه اسلامی اعتدال‌گرا تبدیل کرد. شیخ راشد الغنوشی، که همواره به چارچوب فکری جنبش اصول‌گرای اسلامی پایبند بود،^{۱۴} بیان می‌دارد: «ما دیگر نمی‌توانیم با پایبندی به گذشته و با ذهنیت قدیمی مشکلات کنونی خود را حل کنیم و به آینده چشم داشته باشیم، از این رو باید در تمام کتاب‌هایی که به شاگردان مان تدریس می‌کرده‌ایم، تجدید نظر کنیم؛ زیرا این کتاب‌ها موجب پیدایش استبداد در درون جریان اسلامی می‌شود.»^{۱۵} او معتقد

است که جنبش‌های اسلامی از درک واقعیت پیرامون خود عاجز هستند و همین عامل آشفتگی در گروه‌های اسلامی شده است.

انقلاب یاس^(۱)

تونس در سال ۱۹۵۶ از فرانسه استقلال یافت و حبیب بورقیبه، اولین رئیس‌جمهور آن شد. زبان اکثر مردم این کشور عربی و فرانسوی و مذهب بیشتر آنان اسلام است. تونس دارای جمعیت ۱۰,۶۲۹,۱۹۰ نفری است که از لحاظ شاخص‌های انسانی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در رتبه بالایی قرار دارد. از لحاظ سطح سواد بر اساس آمار یونسف کسانی که بین سنین ۱۴-۲۴ به تحصیل مشغول می‌باشند، در کشور تونس ۹۸ درصد در میان مردان و ۹۶ درصد در میان زنان است. همچنین در مورد سطح دسترسی به امکانات ارتباطی بر اساس گزارش (ITU) و (ATI) ۳۶.۳ درصد مردم در سال ۲۰۱۱ کاربر اینترنت بوده‌اند. در واقع تعداد کاربران اینترنتی در تونس، بیش از یک سوم جمعیت این کشور را شامل می‌شود. بر اساس آمارهای جهانی، تعداد کاربران اینترنتی تونس ۳,۸۵۶,۹۸۴ نفر است که از این تعداد ۲,۷۹۹,۲۶۰ نفر کاربر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بوده‌اند. تونس در حال حاضر با جمعیت ۱۰,۶۲۹,۱۹۰ نفر تقریباً دارای ۱۱,۲۵۰,۰۰۰ خط ارتباطی تلفن همراه است که نشان‌دهنده رشد بالای این کشور در عرصه توسعه ارتباطات می‌باشد.^{۱۷} همچنین به‌رغم شرایط نامطلوب اقتصادی تونس که فقر و بیکاری به‌خصوص در مناطق حاشیه‌ای بیداد می‌کرد و به‌رغم مصادره آزادی‌های مدنی و سیاسی از سوی دولت پلیسی زین‌العابدین بن‌علی، شرایط اجتماعی و سیاسی کشور تا ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ آرام بود و نخبگان حاکم بدون هیچ دغدغه‌ای امور مملکت را طبق روال گذشته اداره می‌کردند.^{۱۸}

۱. تحولی که در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از تونس آغاز شد، به‌تعبیر دقیق کلمه یک انقلاب نیست. شاید قیام عمومی مردمی تعبیر دقیق‌تری برای این اتفاق باشد؛ چرا که انقلاب همراه با نوعی زیر و رو شدن همه ساختارهای سیاسی و نظامی موجود در کشورهاست و این امری است که در کشورهای منطقه اتفاق نیفتاده است،^{۱۶} ولی ملل عرب نام انقلاب را بر آن نهاده و در برخی از منابع علمی هم مشاهده می‌شود که این مفهوم را به‌کار برده‌اند. در هر حال این مقاله به جهت حفظ امانت‌داری همان نامی را به‌کار می‌برد که مردم تونس بر آن نهاده‌اند؛ یعنی «انقلاب یاس تونس».

دسامبر ۲۰۱۰، جوانی به نام محمد بوعیزی در شهر دور افتاده سیدی بوزید (۲۷۰ کیلومتری جنوب غرب پایتخت)، در اعتراض به مصادره گاری سبزیجات که تنها منبع درآمدش بود، در ملاء عام دست به خودسوزی زد. خودسوزی وی به مثابه جرقه‌ای بود که آتش به بنیان دیکتاتوری بن علی زد و به عاملی برای تظاهرات در این شهر حاشیه‌ای تبدیل شد و به تدریج به سایر شهرها و در نهایت پایتخت رسید.^{۱۹}

برای بسیاری از شاهدان و سیاستمداران در اقصی نقاط دنیا، حتی قابل تصور هم نبود که این ناآرامی‌ها چنان شدت بگیرد که نه تنها زین‌العابدین بن علی، رئیس‌جمهور این کشور، را به ترک قدرت وادارد، بلکه شعله‌های خشم مردم از مرزهای این کشور نیز بگذرد و دامن حکومت‌های عرب در سایر کشورها را نیز بگیرد. تحولات تونس در واقع الهام‌بخش تمام حوادثی شد که از دسامبر ۲۰۱۰ در کشورهای مصر، لیبی، اردن، بحرین و یمن به وقوع پیوست. پیش از این، باور روزی که کشورهای عرب خاورمیانه با جنبش‌های مردمی مواجه شوند، بسیار دشوار بود.^{۲۰}

الفه لموم در مقاله‌ای به نام «رسانه اجتماعی و انقلاب نسل جدید عربی»^(۱) در باب نقش رسانه‌های جمعی عربی مانند الجزیره و تارنماهای تونس در وقوع انقلاب یاس تونس قلم زده است. او مقاله‌اش را این چنین آغاز می‌کند که در ژانویه ۱۹۷۸، اعتصاب عمومی توسط سندیکای مرکزی در تونس، برای اولین بار در جهت استقلال عمل اتحادیه عمومی کار از مؤسسات دولت بورقیه به وقوع پیوست.^{۲۱} در ژانویه ۱۹۸۴، قیام مردمی گسترده‌ای در اقصی نقاط تونس، برای اولین بار علیه رئیس‌جمهور حبیب بورقیه به منظور عقب‌نشینی از بالابردن قیمت مواد اولیه، بدون تصمیم مردمی برگزار شد. همچنین، در ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، انقلاب مردمی در عرض سه هفته، باعث فرار اولین حاکم عرب (بن علی) از ترس خشم خیابانی شد. لموم معتقد است، مهم‌ترین و تاثیرگذارترین عنصری که برخلاف اعتصاب عمومی ۱۹۷۸ و قیام نان ۱۹۸۴ در پیروزی انقلاب ۲۰۱۱ دخیل بود، همانا نقش مستقیم و قابل توجه رسانه‌های جدید مانند فیس‌بوک و کانال‌های ماهواره‌ای مانند الجزیره است.^{۲۲} این کانال خبری به دلیل دعوت از

نیروهای مخالف و فعالان سیاسی و حقوقی تونس و بر ملا کردن فساد و مصادره آزادی‌ها و افشای شکنجه‌های حکومت بن علی بر ضد اسلام‌گراها و چگونگی تقلب در انتخابات تونس، باعث بسیج افکار عمومی و دستکاری گفتمان انقلابی در تونس شد. با وجود این، به‌رغم ممنوعیت فعالیت شبکه الجزیره در تونس و پس از اعلام سراسری تظاهرات در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱، روبه‌روی مقر وزارت کشور تونس، کانال الجزیره به پوشش گسترده آن اقدام کرد. به‌لحاظ تاریخی، می‌توان آغاز تحرک مجازی و الکترونیکی در تونس را به تاریخ ژانویه ۱۹۹۸ و هنگامی که دو جوان تونسی با اسامی مستعار «فوت»^(۱) و «واترمان»^(۲) اقدام به اشتراک‌گذاری در وبلاگ خود کردند، ارجاع داد.^{۲۳} به هر حال، اولین انقلاب مردمی در دسامبر ۲۰۱۰ اتفاق افتاد و گروه‌های جوانان فیس‌بوکی، مردم را به شرکت در تظاهرات علیه اقدام پلیس به دلیل خودسوزی جوان سبزی‌فروش، دعوت کردند. سپس فیس‌بوک، توئیتر و جوانان تونس، اقدام پلیس و نیروهای امنیتی در شلیک مستقیم گلوله علیه تظاهرکنندگان در این مراسم را به سراسر جهان مخابره کردند.^{۲۴}

نقش گروه‌های اسلام‌گرا در انقلاب یاس

ملت‌های عرب بعد از چند دهه رکود از عنصری حاشیه‌نشین و به دور از عرصه واقعی تحولات کشورهای خودشان، به بازیگر موثر در عرصه سیاست تبدیل شدند. مهم‌ترین تحول آن است که بعد از دوران طولانی عدم حضور ملت‌ها، برای اولین بار شاهد حضور و نقش‌آفرینی بخش‌های گسترده‌ای از توده‌های مردمی و نخبگان عرب در سرنوشت کشورهای خودشان هستیم؛ توده‌هایی که خود انقلاب کردند و پس از آن در پی ایجاد گروه‌ها و احزاب خود برای اصلاحات تدریجی در این کشور برآمدند.^{۲۵} در واقع جنبش تونس جنبشی مردمی بود که گروه‌های مخالف نیز در آن نقش پررنگی نداشتند، هرچند برخی از این گروه‌ها پس از شکل‌گیری اعتراضات مردمی نسبت به این اعتراضات واکنش نشان دادند و بعضی از رهبران این

1. Foetus

2. Waterman

احزاب در خیابان‌ها به خیل مردم پیوستند. لیکن در اعتراضات مردمی شکل گرفته در تونس برای سرنگونی حکومت بن علی هیچ اقدام سازمان‌یافته و منسجمی از طرف گروه‌های مختلف در تونس شکل نگرفت.^{۲۶} حتی النهضه به‌عنوان بزرگ‌ترین حزب سیاسی تونس نیز نقش مهمی در وقوع خیزش عمومی جامعه تونس در ابتدا نداشت، ولی بعدها با تشکیل کمیته‌ای به دفاع از دستاوردهای انقلاب مردمی پرداخت. همچنین بعد از انقلاب سلفی‌ها و بنیادگراها نیز اعلام موجودیت نمودند، هرچند اجازه شرکت در انتخابات را نیافتند؛^{۲۷} چراکه بی‌اعتنا به دموکراسی بودند. راشد الغنوشی رهبر حزب پیروز النهضه در تونس در اظهار نظری اعلام نمود که اعطای مجوز تأسیس حزب سیاسی برای جریان‌های سلفی که به اصول دموکراتیک پایبند باشند را تأیید می‌کند تا به جای منزوی‌شدن، به بخشی از صحنه سیاسی کشور مبدل شوند. به‌نظر وی، این اقدام مانع از آن می‌شود که گروه‌های بنیادگرا به حاشیه رفته و زیرزمینی شوند و به اقدامات خشونت‌آمیز بپردازند؛ زیرا به حاشیه راندن گروه‌های بنیادگرا این بهانه را در اختیار آنان قرار می‌دهد که بیان نمایند به این دلیل که اجازه نشر اندیشه‌ها و گفتمان خود را ندارند، این حق را به خود بدهند که از طریق راه‌های غیرقانونی به نشر اندیشه‌های خود بپردازند.

در هر صورت، نخستین انتخابات پارلمانی تونس پس از پیروزی انقلاب ۱۴ ژانویه و سرنگونی دیکتاتوری ۲۳ ساله زین‌العابدین بن علی با حضور ۹۰ درصد از رای‌دهندگان در روز ۲۳ اکتبر برگزار شد. در این انتخابات که جهت تعیین نامزدهای مجلس موسسان برگزار گردید، حزب اسلام‌گرای النهضه موفق شد از مجموع ۲۱۷ کرسی مجلس موسسان، ۸۹ کرسی (۴۱/۴۷ درصد آرا) را به خود اختصاص دهد.^{۲۸} در جریان این انتخابات و براساس نتایج اعلام شده، حزب «کنگره برای جمهوری» به ریاست منصف المرزوقی با ۳۰ کرسی (۱۳/۸۲ درصد) و حزب دموکراسی برای کار و آزادی به ریاست مصطفی بن جعفر با ۲۱ کرسی (۹/۶۸ درصد) در جایگاه دوم و سوم قرار گرفتند. اما پس از اعتراض تشکل موسوم به العریضه الشعبیه (فهرست مردمی) به ریاست الهاشمی الحامدی، این تشکل با کسب ۲۶ کرسی (۸/۷۶ درصد) به رتبه سوم صعود کرد^{۲۹} و حزب دموکراتیک پیشرو به ریاست نجیب الشابی با ۱۷ کرسی (۷/۸۳ درصد) در رتبه پنجم انتخابات مجلس موسسان تونس قرار گرفت.^{۳۰}

پیروزی جنبش النهضة برای صاحب‌نظران تحولات سیاسی تونس قابل پیش‌بینی بود؛ چراکه اکثر نظرسنجی‌هایی که پیش از برگزاری انتخابات برگزار شده بود، از پیشی گرفتن آن در مقایسه با سایر گروه‌های سیاسی حکایت داشت. کارشناسان در تحلیل انتخابات مجلس موسسان تونس، ریشه‌دار بودن حزب اسلامی النهضة در جامعه تونس و مبارزه بی‌امان آن علیه دیکتاتوری را در کنار نفوذ در اقشار متوسط و فقیر جامعه به‌عنوان دلایل پیروزی اسلام‌گرایان و انتخاب آنها از سوی مردم کشوری که آغازگر انقلاب‌های عربی بود، عنوان کرده‌اند.^{۳۱} همچنین پیروزی اسلام‌گرایان اعتدال‌گرا سبب اثرگذاری بر موقعیت بنیادگرایی در منطقه شده است، به‌طوری که گروه‌های بنیادگرا نیز سعی دارند در روش‌های خود تغییری را ایجاد نمایند. با این حال، اسلام‌گرایان اعتدال‌گرا کار سخت و طاقت‌فرسایی در پیش روی خود دارند؛ چراکه آنها علاوه بر مهندسی فکری جامعه تونس باید ارکان آن را از نو بسازند.

جهانی شدن؛ رشد فرایندهای دموکراتیک در منطقه خاورمیانه (تونس)

در دنیای کنونی که مرحله فزاینده درهم تنیدگی جهانی را طی می‌کند، نفوذپذیری و فروریزی فزاینده مرزها به‌واسطه انقلاب اطلاعات و ارتباطات و ظهور جامعه شبکه‌ای و اطلاعاتی در عصر جهانی‌شدن و درنور دیده شدن مرزهای ملی، شاهد دگرگونی در مفاهیم، ارزش‌ها، هویت‌ها و روابط اجتماعی و سیاسی هستیم. انقلابی که در فنون ارتباطی و اطلاعاتی به‌وجود آمده است، شکل‌گیری یک نظام ارتباطی جدید مبتنی بر زبان همگانی دیجیتالی بنیاد مادی جامعه را چنان دگرگون کرده که هیچ‌گونه انزواگزینی و کناره‌گیری را برنمی‌تابد و حتی دورافتاده‌ترین و سنتی‌ترین جوامع نیز از بستن مرزهای خود بر روی جریان‌ها و شبکه‌های جهانی و جهانی‌سازی ناتوان هستند. از این‌رو، حجم بالای اطلاعات و دانش‌های تازه به‌راحتی از طریق شبکه‌های اطلاعاتی در دسترس همگان قرار می‌گیرد و این میزان عظیم و متراکم تولید، توزیع و به‌کارگیری اطلاعات، دنیای فعلی را به دنیای اطلاعات‌گرا تغییر داده است. افزایش اطلاعات، دانش و آگاهی سبب ظهور نخبگان جدیدی شده است که از سطح تخصص و آگاهی بالایی برخوردار بوده و دانش استفاده از فن‌آوری امروزی را دارا می‌باشد.^{۳۲}

دانشمندانی که از منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی موضوع انتقال فن‌آوری اطلاعات به خاورمیانه را در یک دهه اخیر بررسی کرده‌اند، بیان می‌دارند که چگونه ارتباطات شخصی میان افراد از این فن‌آوری تاثیر پذیرفته است. به‌عنوان مثال می‌توان به «نور حیاتی ذکریا» اشاره کرد که با کاربست مدل ارتباطات فرهنگی «فونس ترومپنارس» دریافت که فن‌آوری اطلاعات برقراری ارتباط میان افراد خاورمیانه را سهل کرده است.^{۳۳} آنان همچنین پراکندگی این فن‌آوری را موجب تغییر انقلابی خاورمیانه می‌دانستند و پیش‌بینی می‌کردند که رشد فن‌آوری اطلاعات کنترل ناشدنی است و موجب تغییر پویای سیاست محلی در خاورمیانه و مهیاشدن صحنه برای آزادی و رهایی خواهد شد. بدین ترتیب این پژوهشگران این فرضیه را مبنای کار قرار دادند که میزان نفوذپذیری فن‌آوری اطلاعات که از آن جمله با شاخص تعداد کاربران اندازه‌گیری می‌شود، با میزان آمادگی هر دولت برای احراز شایستگی فن‌آوری همبستگی دارد و دولت‌هایی که تعداد کاربران اینترنت بیشتری داشته باشند، از میزان آمادگی بیشتری برای تحولات مردم‌سالارانه برخوردارند.^{۳۴} این مساله به‌خوبی در مورد تونس نمایان است؛ چرا که ۳۶.۳ درصد از مردم این کشور به اینترنت دسترسی دارند.^{۳۵}

رشد فن‌آوری‌های اطلاعاتی و جهانی‌شدن سبب شده است که آشکاری سیاسی ایجاد شود؛ وضعیتی که موجب می‌شود هیچ دولت، گروه و یا حتی فردی از این آشکاری در امان نباشد. این آشکاری موجب کاهش قدرت ایدئولوژیک دولت‌ها و گروه‌های اقتدارگرایی^(۱) همچون بنیادگرایان می‌شود. چند عامل سبب می‌شود این آشکاری تقویت شده و همچنین پیرو آن موجب تقویت فرایندهای دموکراتیک در منطقه به‌ویژه کشور تونس شود^{۳۶} که عبارتند از:^{۳۷}

۱. جمعیت جوان منطقه خاورمیانه (تونس)؛

۲. بالا رفتن آمار محصلان؛

۳. ظهور نخبگان جدید؛

۴. رشد فن‌آوری ارتباطی؛

۵ شبکه‌ای شدن مجازی جامعه؛

۶ مطالبات زنان و جوانان هم‌سو با فرایندهای جهانی؛ و

۷. فرو ریختن حکومت‌های اقتدارگرا (دیکتاتوری بن علی).

در این زمینه، اشاره به وضعیت جامعه تونس و مرور آمار آن مهم و جالب است. در یک دهه اخیر تعداد کاربران اینترنت در کشور تونس از ۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۳۶.۳ درصد در سال ۲۰۱۱ رسیده است. در واقع این کشور یک رشد ۳۵.۳ درصدی را در ۱۱ سال تجربه کرده است و از تعداد ۳,۸۵۶,۹۸۴ کاربر اینترنت، تعداد ۲,۷۹۹,۲۶۰ نفر کاربر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بوده است.^{۳۸}

عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی به شبکه‌ای شدن مجازی جامعه منجر شده است. این تعداد کاربر یعنی تقریباً یک چهارم (۲۶.۳ درصد) جمعیت تونس را شامل می‌شود و این جمعیت قابل ملاحظه‌ای است. برای کشور ۱۰,۶۲۹,۱۸۶ نفری تونس، این معنا را می‌رساند که از هر ۴ تونسی یک نفر عضو شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک است و تقریباً یک سوم جمعیت هم کاربر اینترنت می‌باشند^{۳۹} (جدول شماره ۳).

گسترش و چالش اسلام اعتدال‌گرا

یکی از ویژگی‌های قیام‌های جهان عرب، گسترش و افزایش فعالیت و نفوذ جریان‌های اسلام‌گرای آزادی‌خواه و معتدل است. بنابراین، به تدریج می‌توان شاهد تضعیف جریان‌های افراطی و خشونت‌گرا مانند القاعده به نفع جریان‌های اسلام‌گرای معتدل و نوگرا در منطقه بود. این موفقیت برای تمام جریان‌هایی مهم است که به مردم‌سالاری معتقدند و نقش تعیین‌کننده مردم در ساختارهای سیاسی را باور دارند. در حالی که در طول دو دهه گذشته جریان اسلام‌گرای سلفی جهادی با جهت‌گیری‌های رادیکال در سطح خاورمیانه عربی تسلط داشته، یا حداقل چنین به نظر می‌رسید، و در شکل‌دهی به معادلات سیاسی و امنیتی منطقه بسیار اثرگذار بوده است، اکنون با تقویت اسلام‌گرایی اعتدال‌گرا در نتیجه خیزش‌های مردمی، جریان‌های رادیکال ضعیف‌تر شده و از اثرگذاری کمتری برخوردار خواهند شد.^{۴۰}

اسلام‌گرایان اعتدال‌گرا بخش مهمی از درخواست‌ها و مطالبات مردمی را در تحولات عربی نمایندگی می‌کنند. این جریان معتقد است گریزی از بازسازی سنت ندارند. اگر بخواهیم در دوران معاصر زندگی کنیم، باید سنت را بازسازی کنیم و در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به ابتکارات و نهادسازی‌های جدید دست بزنیم که با نیازها و ضرورت‌های عصر جدید هم‌خوانی داشته باشد. جریان‌های نوگرا نه همانند جریان سنت‌گرا بر باقی ماندن بر سنت‌های گذشته و عدم لزوم هرگونه اصلاحات و تغییر تأکید دارد، و نه همانند تجددگرایان سکولار لیبرال سنت را به‌صورت کامل رد می‌کند و آن را کنار می‌گذارد، بلکه این جریان بازسازی و اصلاح سنت‌های گذشته را با توجه به ضرورت‌های حیات در عرصه جدید مطرح می‌کند.^{۴۱}

خیزش‌های مردمی در جهان عرب باعث ایجاد فضایی مناسب برای اظهار وجود و نقش‌آفرینی جریان‌های اسلامی میانه‌رو گشت؛ جریان‌هایی که همیشه توسط حکومت‌های اقتدارگرا به حاشیه رانده می‌شدند. به‌خصوص بسترهای اسلامی جوامع عربی و سوابق تاریخی و سازمان‌دهی مناسب و گسترده جریان‌های اسلامی در جهان عرب به تقویت جایگاه این جریان‌ها در نتیجه مشارکت در روندهای سیاسی دموکراتیک نوین منجر شده است. در واقع، در شرایط جدید، جریان اسلامی منافع و ایده‌بخش مهمی از جامعه مدنی و جنبش‌های اجتماعی را نمایندگی می‌کنند و با توجه به پیروزی‌های انتخاباتی، در پی مشارکت در ساختار قدرت هستند.^{۴۲}

با این حال، اسلام‌گرایان اعتدال‌گرا پس از پیروزی در انتخابات با چالش‌هایی روبه‌رو هستند؛ به عنوان نمونه می‌توان به حزب النهضة در تونس اشاره نمود که در تکوین آینده نظام سیاسی کشوری که دستخوش تحول می‌باشد، عبور از دو مرحله سخت را پیش رو داشته است: یکی سقوط و سرنوشت حکومت اقتدارگرای قبلی؛ و دوم برقراری نظامی مردم‌سالار. مهم‌ترین مشخصه دوره‌گذار در جهان عرب را می‌توان رقابت‌ها و درگیری‌های متداخل، پیچیده و چندسطحی بین بازیگران و نیروهای مختلف داخلی از یک‌سو و مداخله و اثرگذاری قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی دیگر، دانست که می‌تواند به بی‌ثباتی در درون کشورها و در سطح منطقه‌ای منجر شود. بر این اساس می‌توان چالش‌های مختلفی را پیش روی اسلام‌گرایان میانه‌رو در تونس در سطح و حوزه‌های مختلف برشمرد که عبارتند از:^{۴۳}

۱. چالش‌های سیاسی

- الف) فقدان تجربه کشورداری؛
- ب) فقدان یک فکر مشترک و بروز اختلاف سیاسی میان احزاب و گروه‌ها؛ و
- ج) وجود ساختار باقی‌مانده از رژیم قبلی (بن‌علی).

۲. چالش‌های اقتصادی

- الف) انتظار مردم برای پاسخگویی فوری به مطالبات؛
- ب) کمبود مدیران تکنوکرات؛ و
- ج) کمبود منابع مالی به‌ویژه در مورد جهان‌گردی.

۳. چالش‌های فرهنگی-اجتماعی

- الف) بافت اجتماعی سنتی و ضعف فرهنگ دموکراتیک به دلیل سال‌ها اقتدارگرایی؛ و
- ب) اختلاف پارادیمی بین جوانان انقلابی با رهبران سالخورده.

۴. چالش‌های امنیتی

- الف) جریان‌های سلفی خشونت‌گرا؛
- ب) تضاد منافع بازیگران داخلی؛ و
- ج) دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.

تضعیف جایگاه بنیادگرایی حرکت به سوی نظم منطقه‌ای^(۱) جدید

با توجه به چالش‌های گذشته در نظم منطقه‌ای موجود در منطقه خاورمیانه، قیام مردمی که در تونس صورت گرفت و پیرو آن پیروزی گروه‌های اسلام‌گرای میانه‌رو که تلاش دارند

1. Regional Order

فرایندهای دموکراتیک را گسترش دهند و سازگاری اسلام و دموکراسی را نشان دهند، همچنین تأثیری که بر دیگر کشورهای منطقه گذاشته و موجبات دگرگونی را در آنها به شکل دومینووار فراهم کرده، خاورمیانه را نیازمند تعریف جدیدی از نظام‌های سیاسی و نظم منطقه‌ای کرد؛ عناصر و ویژگی‌های نظم جدید را به‌وضوح می‌توان در پیام‌ها، شعارها و جهت‌گیری‌ها در این تحولات مشاهده نمود، ایده‌های جدید و جوان بودن ایده‌ها در تحولات بهار عربی کاملاً در کانون قرار دارد، ایده‌های که در بستر انقلاب اطلاعات و شبکه‌ای‌شدن ارتباطات رخ می‌دهد^{۴۴} که باعث افزایش خودآگاهی و افزایش عقلانیت در گروه‌های پیشرو و حرکت‌های پیش رو می‌شود. همه شرایط پیش رو و مطالباتی که در جهان عرب وجود دارد، نشان‌دهنده آن است که مردم و گروه‌های سیاسی به‌خصوص اسلام‌گرایان اعتدال‌گرا دیگر نمی‌توانند نظم منطقه‌ای گذشته را بپذیرند. بر این اساس هرگونه تلاش برای نادیده انگاشتن مطالبات، ارزش‌ها، باورهای بومی و دینی و تحمیل نظمی بر اساس منافع قدرت‌های بزرگ نه‌تنها ثبات را برای خاورمیانه به ارمغان نخواهد آورد، بلکه باعث تشدید رشد گرایش‌های رادیکال و افراطی و افزایش منازعات و بحران‌ها می‌شود.^{۴۵} گروه‌های افراطی که اغلب با دستمایه قرار دادن فساد و ناکارآمدی حکومت‌ها به عضوگیری می‌پرداختند و از جمله اهداف اعلامی آنها ساقط کردن رژیم‌های ناکارآمد و فاسد بوده است، با دموکراتیک‌ترشدن فضای سیاسی در کشورهای خاورمیانه به‌ویژه تونس و مصر شعارها و گفتمان این گروه‌های افراطی شعاع خود را تا حدود خیلی زیادی از دست می‌دهد.^{۴۶}

لیکن با توجه به واقعیت‌های جامعه‌شناختی، فرهنگی و سیاسی خاورمیانه، منافع و ارزش‌های مردم منطقه، رشد فرایندهای دموکراتیک، پیروزی احزاب اسلام‌گرا، جهانی شدن، رشد فن‌آوری، آشکاری سیاسی و کلیه چالش‌ها و نارسایی‌های موجود، به‌نظر می‌رسد شکل‌گیری نظام‌های سیاسی و نظم جدید منطقه‌ای با هدف ایجاد ثبات پایدار باید بر مؤلفه‌های زیر استوار باشد:^{۴۷}

نخست، استقرار حکومت‌های مردمی و حرکت به سمت مردم‌سالاری که توسط احزاب اسلام‌گرمی میانه‌رو به‌ویژه در تونس در حال شکل‌گیری است؛

دوم بسط اصلاحات سیاسی به‌صورت عمل‌گرایانه و با توجه به باورهای بومی و مذهبی مردم

هر منطقه؛

سوم پایان عصر حکومت‌های وراثتی که خود عاملی بودند جهت رشد افراط‌گرایی و خشونت که از میان رفتن این فاکتور خود عامل کاهنده و تضعیف جایگاه این گروه‌ها در منطقه است؛ و چهارم کاهش سوظن کشورهای منطقه، رقابت تسلیحاتی میان کشورهای منطقه را کاهش می‌دهد^{۴۸} و به ایجاد یک همبستگی منطقه‌ای^(۱) کمک می‌نماید، به‌خصوص با رشد احزاب اسلام‌گرای اعتدال‌گرا که دارای نظام عقیدتی یکسانی می‌باشند.^{۴۹}

اما مهم‌ترین نگرانی اسلام‌گرایان اعتدال‌گرا در این کشورها از جمله تونس این موضوع است که در ساختارها و شرایط جدید نیز، در نتیجه اتحاد و ائتلاف‌های نوین قربانی شوند و نتوانند آن‌گونه که شایسته است، در نظم تازه بنیان‌یافته به موفقیت دست یابند؛ چراکه اسلام‌گرایان اعتدالی تداوم جایگاه خود در این ساختار قدرت را، بیشتر به کارآیی خود به‌عنوان رهبران سیاسی برای اداره امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه وابسته می‌دانند.

نتیجه‌گیری

مردم کشورهای خاورمیانه به دلیل ضعف آلترناتیوهای امتحان شده مثل مدل توسعه آمرانه سرمایه‌داری وابسته و سوسیالیسم غیردموکراتیک، به اسلام روی آوردند؛ با این تصور که اسلام عدالت اجتماعی را در رای آنان تحقق می‌بخشد. متعاقب تجربه دولت‌ها و جنبش‌های رادیکال اسلامی مانند القاعده و طالبان، به‌نظر می‌رسد پروژه بنیادگرایی اسلامی با شکست مواجه شد و البته در حال حاضر برخی از مردم در جهان، اسلام را با اسلام‌گرایی اشتباه می‌گیرند و ناکامی‌های جنبش‌های اسلام‌گرایی افراطی به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر را به حساب اسلام می‌گذارند.^{۵۰} به همین دلیل بسیاری از اسلام‌گرایان سابق که چنین سیاست‌هایی را دنبال می‌کردند، تحولی در بینش و تفکر خود ایجاد نمودند و از ایدئولوژیک کردن دین دوری گزیدند. به همین جهت موضوعی که برای این افراد اکنون حایز اهمیت است، مساله پاسخ‌گویی به مردم و مساله دموکراسی است. به‌نظر می‌رسد اکنون این موضوع در جهان عرب و در سایر نقاط اسلام

1. Regional Solidarity

قابل مشاهده و حایز اهمیت است.^{۵۱} لیکن بدون شک رویدادهای نوین خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ که باعث شگفتی بسیاری از تحلیلگران مسائل منطقه‌ای شد، نقطه عطف بسیار مهمی در تاریخ تحولات مربوط به دموکراسی و جامعه مدنی در خاورمیانه به‌شمار می‌آید.

نیروهای اسلام‌گرای اعتدالی در حال حاضر در زمره قوی‌ترین و مردمی‌ترین نیروهای سیاسی خاورمیانه به‌شمار می‌روند و به‌نظر می‌رسد تأثیرات وسیعی را در آینده بر منطقه خواهند گذاشت. اینان به‌دنبال ایجاد «جامعه شرعی و دولت دینی» هستند و روند احیای اسلام به منزله گفتمانی بسیج‌کننده و بالقوه سیاسی شکل گرفته است. در حالی که عرب‌گرایی افراطی، ملی‌گرایی عربی، ناصریسم و ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و دیگر ایدئولوژی‌های تسخیرکننده ذهن جامعه توده‌وار عرب، جاذبه مردمی خود را ازدست می‌دهند، اسلام اعتدال‌گرا همچون گفتمانی راهنما در حال ظهور است. در حقیقت، نخبگان جدید عرب به‌دنبال احیای چشمگیر نوعی حرکت سیاسی مبتنی بر دین هستند.

در این توفان تحولات جهانی‌شدن و تکثر فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها، گفتمانی برقرار می‌ماند که اندیشه و عمل خود را با دگرگونی‌های این عصر نوسازی نماید. در حقیقت تحولات جهانی هم فرصت است و هم چالش. در این میان اندیشه‌ای به پیروزی دست می‌یابد که از فرصت‌های به‌دست آمده به‌درستی بهره‌برداری نماید. جهانی‌شدن فرصتی پیش روی اسلام‌گرایان از هر طیفی فرا نهاد تا به گفتمانی در میان سایر گفتمان‌ها تبدیل شود و در این میان، اسلام‌گرایان طیف میانه‌رو موفق عمل نموده و از فرصت ایجاد شده به‌خوبی استفاده کردند؛ بدین معنا که تمرکززدایی از گفتمان غربی عرصه‌ای را فراهم کرد تا عقلانیت‌های غیرغربی نیز منطق خاص خود را پی‌گیری نمایند. بر این اساس، اسلام سیاسی نیز با اتکاء بر عقلانیت سنتی خود که در آیات قرآن جلوه‌ای خاص یافته است، می‌تواند صورت‌بندی‌های جدید و منحصر به فردی از نظام سیاسی و اجتماعی ارایه نماید که دموکراسی دینی، مردم‌سالاری دینی بارزترین نمود آن است.

بر اساس دموکراسی دینی، شهروندان می‌توانند ضمن حفظ هویت دینی خود در عرصه عمومی، به‌صورت کاملاً دموکراتیک در زندگی سیاسی-اجتماعی نیز مشارکت داشته باشند. در عصر جهانی‌شدن و شبکه‌ای‌شدن جهان در عصر اطلاعات و چندفرهنگ‌گرایی، اسلام‌گرایان

اعتدال‌گرا می‌توانند با ارایه استدلال‌های عقلانی از اهداف و خواست‌های خود دفاع نمایند. در واقع بر همین اساس خشونت‌طلبی و بنیادگرایی برخی گروه‌های افراطی اسلام‌گرا زائل گشته و چه اینکه برای اسلام‌گرایان اعتدال‌گرا مجالی فراهم می‌آید تا هویت اسلامی خود را در عرصه عمومی جهانی عرضه کنند؛ بدون آنکه توسط گفتمانی دیگر سرکوب و یا به حاشیه رانده شوند. در واقع اسلام‌گرایان نوگرا، واقعیت تاریخی به حاشیه رانده شده و فراموش شده خود را بر اساس عقلانیت دینی، اصل مدارا و عطوفت اسلامی و نظام سیاسی، اجتماعی مردم‌سالار دینی بازسازی می‌نمایند. در این میان گروه‌های اسلامی بنیادگرا اگر به بقای گفتمانی خود و ماندگاری در سپهر سیاسی می‌اندیشند، باید «پیشانی گفتمانی»^(۱) یعنی عدم درک روح زمان را کنار گذاشته و هم‌گام با زمانه و تحولات آن به بازسازی گفتمانی بپردازند.^{۵۲}

جدول ۱. طیف‌بندی گفتمان‌های اسلامی

نسبت برقراری با دموکراسی و حقوق بشر و اعتدال گرایی	گفتمان‌های اسلام گرایان	محورهای اصلی اسلام گرایان
بدگمانی به نوآوری و تحول مفاهیم (دموکراسی حقوق بشر و ...)	سنت گرایان	محور نخست: احیای دینی «تمایل به اقتدارگرایی و قدرت»
مانع‌الجمع با مفاهیم مدرن استفاده از فن آوری مدرن به صورت ابزاری	بنیادگرایان	
مخالفت با بنیادگرایی و مخالفت با مفاهیم مدرنیته	معنوی گرایان (احیای بُعد معنوی اسلام)	محور میانجی: معنوی گرایان
پذیرش کلیه اصول و مفاهیم مدرن	اعتدال گرایان (میانه روی اسلامی)	محور دوم: نوسازی گرایان دینی «تمایل به آزادی»
پذیرش مشروط یا بخشی از مفاهیم که با اسلام هم‌خوانی دارد، در واقع بومی‌سازی مفاهیم	متجددین اسلامی (گفتمان مشروط)	

جدول ۲. گروه‌های اسلامی تونس

نام گروه اسلامی	ریشه	وابستگی	میزان اقدام جمعی (پیکار جویی)	فرجام
۱ حزب «العمل الاسلامی»	دانشجویان سنی	وابسته به مصر و اخوان المسلمین	میزان پیکار جویی آن بسیار زیاد	سرکوب شده
۲ حرکت التجاه الاسلامی	جوانان طبقه متوسط	وابستگی به قشر بازرگان	میزان پیکار جویی آن متوسط به بالا	زندان دهه ۸۰-۱۹۷۰ تغییر نام
۳ الحزب الاسلامی	سنتی سنی	جنبش اخوان المسلمین	میزان پیکار جویی آن زیاد	سرکوب شده
۴ جمعیه حفظ القرآن	قاریان قرآن	از داخل مساجد به صورت شبکه ای	میزان پیکار جویی این گروه متوسط	سرکوب شده
۵ طلیعه الاسلامیه	سنی رادیکال	*	تروریستی	*
۶ جهاد الاسلامی	جوانان سنی	*	مخفی و زیر زمینی میزان پیکار جویی آن زیاد	*
۷ حرکت النهضة	جوانان طبقه متوسط	وابستگی به قشر بازرگان و تجار بازار	میزان پیکار جویی آن متوسط	تحول گفتمانی از ۱۹۹۰ به سمت اعتدال گرایی اسلامی
۸ گروه اسلامی Wallflowers	القاعده	وابسته به القاعده آفریقا	تروریستی	بعد از انقلاب یاس تونس اعلام موجودیت کرد

جدول ۳: تعداد کاربران اینترنت در کشور تونس

سال	کاربران اینترنت در کشور تونس	جمعیت	درصد کاربران	منبع استفاده شده
۲۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۹,۶۶۶,۹۰۰	%۱.۰	ITU
۲۰۰۶	۹۵۳,۰۰۰	۱۰,۲۲۸,۶۰۴	%۹.۳	ITU
۲۰۰۷	۱,۶۱۸,۴۴۰	۱۰,۳۴۲,۲۵۳	%۱۵.۶	ATI
۲۰۰۸	۱,۷۶۵,۴۳۰	۱۰,۳۸۳,۵۷۷	%۱۷.۰	ATI
۲۰۰۹	۳,۵۰۰,۰۰۰	۱۰,۴۸۶,۳۳۹	%۳۳.۴	ATI
۲۰۱۰	۳,۶۰۰,۰۰۰	۱۰,۴۸۶,۳۳۹	%۳۳.۹	ATI
۲۰۱۱	۳,۸۵۶,۹۸۴	۱۰,۶۲۹,۱۹۰	%۳۶.۳	ATI

<http://www.internetworldstats.com/af/tn.htm>

<http://www.socialbakers.com/facebook-statistics/>

پاورقی‌ها:

1. John L. Esposito and James P. Piscatory, "Democratization and Islam," *Middle East Journal*, Vol. 45, No. 3, 1991.
۲. حمید احمدی، «اسلام سیاسی و منقدان آن»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۷۹، ص ۶۶.
۳. سید عبدالامیر نبوی، «ظهور و دگرگونی جریان‌های اسلام‌گرا: مروری بر رویکردها و نظریه‌ها»، دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص ۲۸-۸.
۴. آصف بیات، «پسااسلام‌گرایی چیست»، مهرنامه، ویژه‌نامه علوم انسانی، شماره ۱۰، ۱۳۹۰، صص ۶۸-۶۴.
۵. الیور ری، «اسلام‌گرایی از بزرگراه دموکراسی می‌گذرد»، مهرنامه، شماره ۸۶، ۱۳۹۱، ص ۲۲.
6. John L. Esposito and James P. Piscatory, op.cit.
۷. احمد مصلی، گفتمان‌های بنیادگرایی جدید در باب جامعه مدنی و کثرت‌گرایی و مردم‌سالاری، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: فرهنگ جاوید، ۱۳۹۱، ص ۲۳۰.
8. Freedom House, "Freedom in the World – Tunisia (2010)," Accessed in January 23, 2011.
۹. حسن احمدیان، «انقلاب تونس؛ زمینه‌ها و پیامدها»، فصلنامه‌های پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰، قابل مشاهده در وب سایت پژوهشکده تحقیقات استراتژیک: isrjournals.ir
۱۰. نصرالله سخاوتی، جنبش‌های اسلامی معاصر شمال آفریقا، قم: انتشارات باقرالعلوم، ۱۳۸۹، ص ۶۰.
۱۱. خسرو شاهی، راشد/الغنوشی، ۱۳۹۰، در سایت: khosroshahi.org
۱۲. نصرالله سخاوتی، پیشین، ص ۶۶.
۱۳. احمد مصلی، پیشین، صص ۲۳۷-۲۳۶.
۱۴. محمد ابراهیم و دیگران، جنبش اسلامی تونس، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۵، ص ۵۶.
۱۵. همان، ص ۱۳۳.
۱۶. معصومه طالبی، جریان‌های سیاسی فعال در تونس، ۱۳۹۱، وبسایت مرکز مطالعات بین‌المللی صلح.
۱۷. حسن شفیعی، حسین ابراهیم نیا و منیره عروجی، «شبکه‌های مجازی در عصر جهانی شدن؛ بررسی تحولات اخیر خاورمیانه عربی»، مجموعه مقالات هویت اسلامی و جهانی شدن، دانشگاه تربیت مدرس، مؤسسه مطالعات ملی، تهران، بهمن ۱۳۹۰.
۱۸. حسن احمدیان، پیشین.

19. Freedom House, op.cit.

20. Ibid.

۲۱. نبی‌الله ابراهیمی، «تاثیر وقوع شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰، شماره م ۵۲، ص ۱۲۰.

۲۲. همان، ص ۱۲۱.

۲۳. همان، ص ۱۲۲.

۲۴. همان، ص ۱۲۴.

۲۵. معصومه طالبی، پیشین.

26. <http://www.theatlantic.com/international/archive/2011/01/jihadists-the->

27. Ibid.

28. Dailymail. co. uk, 2011.

29. Guardian. co. uk, 2011.

30. Euro News , 2011.

31. Guardian. co. uk, 2011.

۳۲. حسن شفیعی، حسین ابراهیم نیا و منیره عروجی، «جهانی‌شدن و نقش شبکه‌های مجازی در تحولات اخیر شمال آفریقا»، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن، جهان‌گرایی و هویت دینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، البرز، اول خرداد ۱۳۹۱.

۳۳. جیمز روزنا، انقلاب اطلاعات امنیت و فناوری‌های جدید، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات راهبردی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۶.

۳۴. همان، ص ۱۱۱.

35. <http://www.internetworldstats.com/af/tn.htm>

۳۶. علی اشرف نظری، «هویت و اسلام سیاسی: تصورات و پنداشت‌های غرب از اسلام»، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷، صص ۳۳۴-۳۱۷.

۳۷. همایش ملی تحولات خاورمیانه و آینده منطقه‌ای، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۳ خرداد ۱۳۹۱.

38. <http://www.socialbakers.com/facebook-statistics/>

۳۹. حسن شفیعی، حسین ابراهیم نیا و منیره عروجی، «جهانی‌شدن و نقش شبکه‌های مجازی در تحولات اخیر شمال آفریقا»، پیشین.

۴۰. محمود واعظی، بحران سیاسی و جنبش اجتماعی در خاورمیانه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۰، ص ۳۵۴.

۴۱. همان، ص ۳۵۵.

۴۲. احمد مصلی، پیشین، ص ۲۳۰.
۴۳. همان، ص ۳۵۹.
۴۴. همان، ص ۳۶۲.
۴۵. همان، ص ۴۴۱.
۴۶. حسن احمدیان، پیشین.
۴۷. علی اشرف نظری، «ارتباط به مثابه انقلاب؟ فناوری‌های اطلاعاتی-ارتباطی نوین و جنبش انقلابی مصر»، همایش اسلام و تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه، سوم اسفند ۱۳۹۰.
۴۸. انور عبدالملک، اندیشه سیاسی عرب در دوره معاصر، ترجمه: احمد موثقی، قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۴.
۴۹. بنارد چریل، اسلام دموکراتیک مدنی، ترجمه: عسگر قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴.
۵۰. آصف بیات، پیشین، ص ۶۸-۶۴.
۵۱. همان، ص ۶۶.
۵۲. قدیر نصری، «وزن اسلام سلفی‌گرا در معادلات آتی مصر»، نشست آینده سیاست و حکومت در مصر: نیروهای تعیین‌گر حکمرانی، مرکز تحقیقات استراتژیک خاورمیانه، تیر ۱۳۹۱.